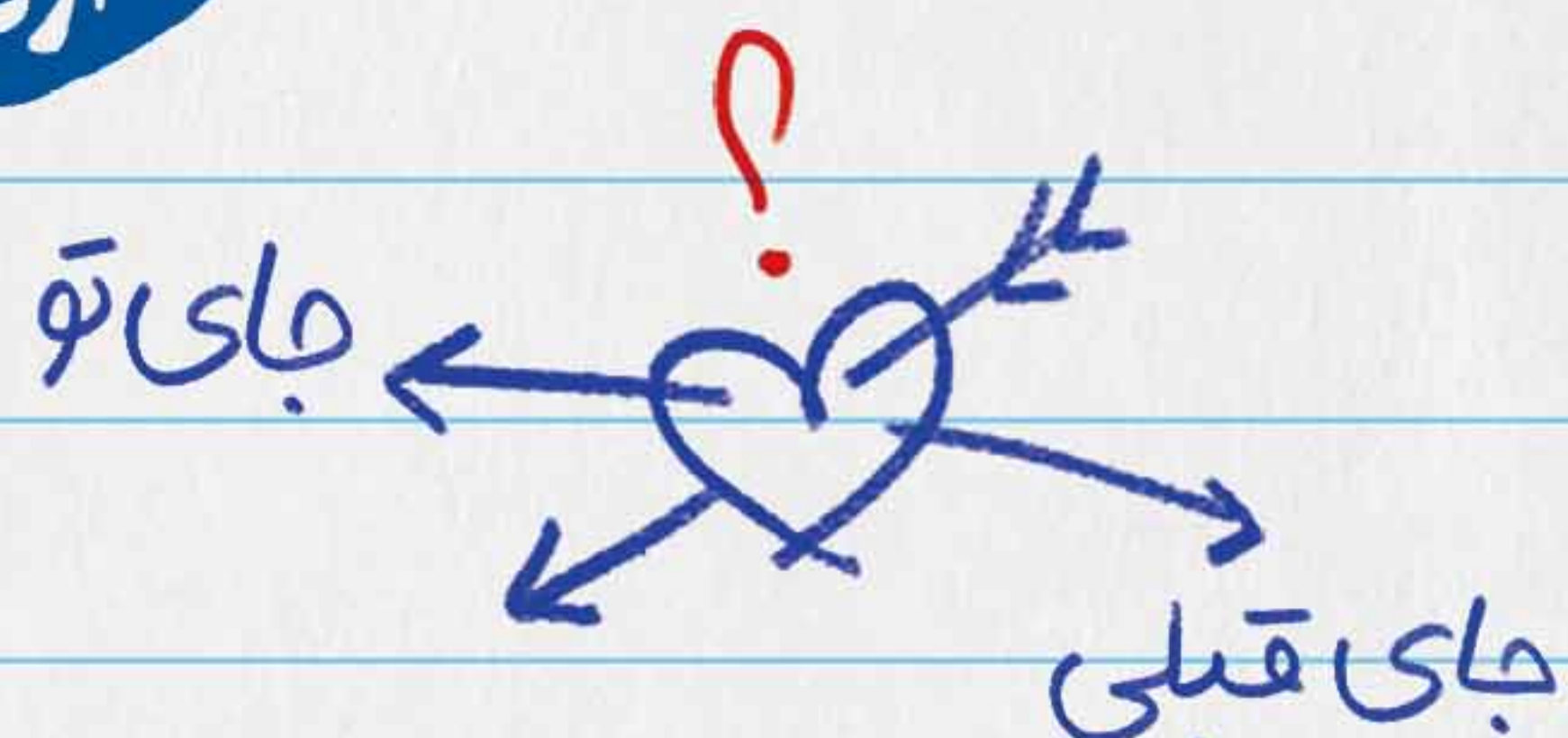




برگ امتحانی:
کلاس: بیزنس کلاس
امروز!
تاریخ و موضوع امتحان: امتحان نهایی!

۱۳- شکل قلب را بکشید و قسمت‌های مختلف آن را نام ببرید.

پایانک نهایی
ویژه امتحان نهایی



امتحانات عربی ۲ انسانی با ۲۰ تمام همیشه

حسین منصوری ← سید هادی هاشمی

۱۴- با کلمات زیر جمله بسازید.

بابا - هواپیما - کیش - سفر - ساحل
بابا-پول-ندارد

۱۵- نام سه دریاچه در ایران را بنویسید.

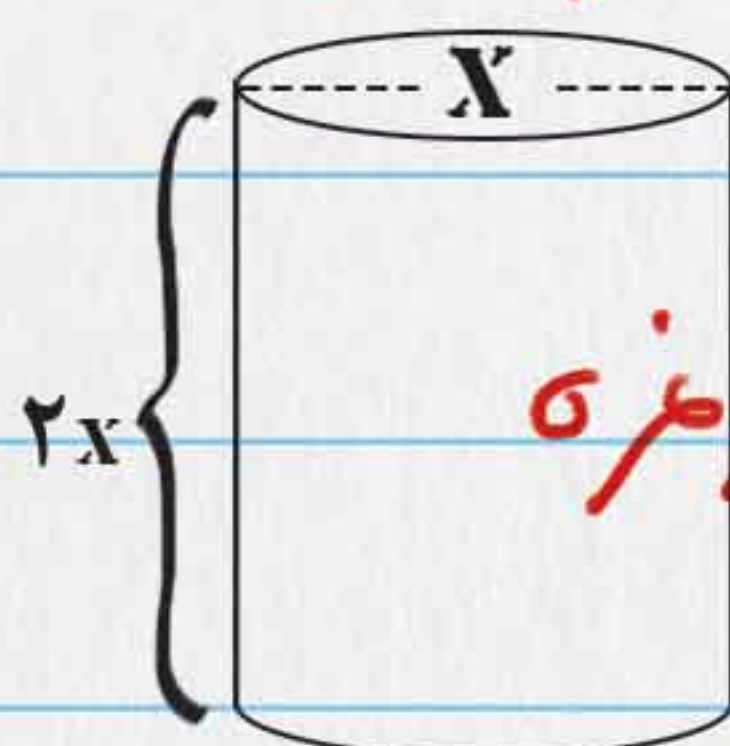
دریاچه خزر دریاچه ققم دریاچه ارومیه (سابق)

۱۶- بهرام که گور می گرفت می همه عمر دیدی که چگونه گور گرفت. (کنکو بهرام)

۱- شهرام ۲- مهرام ۳- بهرام ۴- آرام ۳ مره

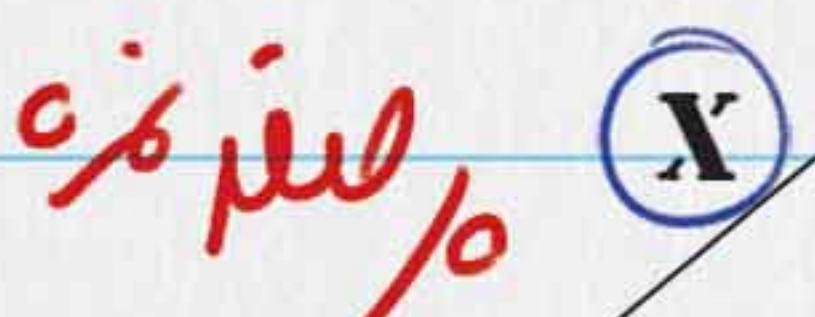
۱۷- استوانه روبرو گنجایش چه حجمی از آب را دارد؟

به نظر خودم حدود یک لیوان و نیم است



۱۸- با توجه به قضیه فیثاغورث X را بیابید.

اینهاست پیداش کردم اینجا است ۳



۱۹- معادل فارسی کلمات زیر را بنویسید.

۱- پیتزا (همون پیتزا) ۲- کارانتی (معادل ندارد. تضمین خودی عربی است.)

۲۰- در مورد حافظ به سؤالات زیر جواب بدهید.

الف) لقب او چه بود؟ لسان الغیب (ب) در چه قرنی درگذشت؟

هرگز نمیدانم دلش زنده شد به عشق

مره نمی گیری ولی آفرین! دست گرم!

پایه یازدهم

- ارائه واژگان و متن درس به شیوه نوین
- کامل ترین بانک سؤالات امتحانی با پاسخ تشریحی (۱۵۰۰ پرسش امتحانی تیپ بندی شده)
- ارائه قواعد کاربردی همراه با مثال
- امتحانات شبیه ساز نهایی با راهنمای تصحیح و ریز بارم بندی

+ نهایی خرداد ۱۴۰۳

مقدمه مؤلفان

سلام خدمت همه دانش آموزای یازدهمی که قراره همراهان جدید ما در درس عربی باشن و به کمک هم برای امتحان نهایی عربی پایه یازدهم آماده بشیم ...

بچه‌ها! از وقتی که قرار شد دروس پایه یازدهم هم در نتیجه کنکور دارای تأثیر قطعی بشه، ما به تکاپو افتادیم که خب ... چه کنیم که بهترین کمک برای عزیزان یازدهمی ما در درس شیرین عربی باشه ... خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و ... خلاصه تصمیم گرفتیم که یه کتاب کامل و همه چی تموم براتون آماده کنیم که همه جوانب امتحان نهایی رو پوشش بده و بتونه شما رو برای کسب نمره کامل یعنی بیست آماده کنه. پس با توکل بر خدا کار رو آغاز کردیم و این کتاب پربار رو نوشتیم. حالا بریم ببینیم این کتاب چه بخش‌هایی داره و چه جوری باید باهاش ارتباط بگیرین!

هر درس رو با قسمت «**واژگان**» شروع کردیم که همه واژه‌های مهم درس رو با ترجمه و بیان نکات مهم و طلایی آوردیم. این واژگان رو به همون ترتیبی که در کتاب اومده آوردیم که شما بتونین خطبه‌خط از روی کتاب درسی جلو برین و تموم واژه‌های مهم رو یک دور مرور کنین تازه نکات طلایی و دام‌های اون واژه رو هم یاد بگیرین. این نکات طلایی گاهی شامل نکات قواعدی اون کلمه هست که در درس‌های گذشته خوندید، گاهی شکل مفرد یا جمع اون کلمه است و گاهی هم مترادف و متضاد اون کلمه و گاهی هم دام‌هایی در مورد اون واژه که ممکنه یه تله بزرگ برای شما باشه و ما خواستیم پیشاپیش بهتون یاد بدیم. بعد از بخش واژگان می‌رسیم به جملات مهم متن درس و تمرینات که این دفعه براتون ترجمه نکردیم بلکه سعی کردیم به صورت جای خالی، دوگزینه‌ای، ترجمه غلط و ... بیاریم که هم جملات مهم متن درس و تمرینات رو ببینین هم با همکاری خودتون ترجمشون کنیم که همیشه یادتون بمونه!

قسمت بعدی هر درس هم **سؤالات مربوط به ترجمه واژگان و جملات مهم** هست که تیپ‌های امتحان نهایی مربوط به اون درس رو براتون آوردیم. مطمئن باشین اگر همین سؤالات رو به طور کامل پاسخ بدین، نمره کامل این بخش توی امتحان نهایی رو شاخشه!!!

ترجمه واژه در قالب جمله، نوشتن مترادف، متضاد، جمع و مفرد، ترجمه دوگزینه‌ای، پرکردن جای خالی و اصلاح ترجمه غلط بخش‌هایی از این قسمت مهم هستند.

اما قسمت بعدی هر درس که تدریس **قواعد درس** به همراه حل نمونه سؤالات از قواعد هست؛ نمونه سؤالاتی که عمدتاً از متن دروس قبلی آوردیم و سعی کردیم کم‌تر از متن همان درس در این قسمت استفاده کنیم، زیرا در سؤالات قواعد (که در ادامه تدریس قواعد آمده) متن درس پوشش داده شده است. در بخش قواعد سعی کردیم همه نکات امتحانی کتاب درسی رو بیان کنیم که بهترین نمره امتحان رو کسب کنید.

بعد از تدریس قواعد، **نمونه سؤالات قواعدی** هر درس اومده که این‌جا هم سعی شده تمام تیپ‌های امتحان عربی نهایی رو بیاریم که از همین الان با سبک امتحان نهایی آشنا بشین و خدای نکرده سر جلسه امتحان نهایی براتون غریب نباشه.

در **انتهای کتاب چند نمونه امتحان نوبت اول (نیم‌سال اول) و امتحان نوبت دوم و نهایی** آوردیم که خیلی آماده بشین!

راستی **پاسخ‌نامه تشریحی** همه سؤالات کتاب رو هم آوردیم که تا اونا رو نخونین یادگیریتون کامل نمی‌شه!

در آماده‌سازی این کتاب عزیزان بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتن که جا داره از تک‌تک‌شون تشکر کنیم؛ خانواده‌های عزیزمون که اگر همراهی اون‌ها نبود ما حالا‌حالا نمی‌تونستیم تألیف رو تموم کنیم. همکاران محترم انتشارات وزین خیلی سبز که جز با یاری و مساعدت‌هاشون کار به این خوبی انجام نمی‌شد خصوصاً آقای احمد علی‌نژاد و خانم مهین افشار که لحظه‌به‌لحظه همراهمون بودن و با نظرات کارشناسانه این کتاب رو به نتیجه رسوندن! همین‌طور همکاران محترم و اساتید زبان عربی که در ویراستاری این کتاب خیلی زحمت‌کشیدن خصوصاً خانم سمانه ریحانی، خانم زهرا خردمند و خانم منیژه خسروی. همین‌طور سایر همکاران محترم واحدهای فنی، تولید، فروش، روابط عمومی و ... انتشارات خیلی سبز که در تکمیل این کتاب نقششون بسیار مهم و ستودنیه.

در پایان از همه همکاران گرامی و معلمان دلسوز درس عربی و دانش‌آموزان باسواد و دقیق خواستاریم هر پیشنهاد یا انتقادی در جهت ارتقای کتاب دارن از طریق ایمیل Hashemi.hadi2000@gmail.com با ما در میون بگذارن.

حسین منصوری - سید هادی هاشمی

فهرست مطالب

درس اول: مواعظ قیمه

صفحه

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۵
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۹
- پخش سوم: قواعد درس - اسم تفضیل، اسم مکان ۱۲
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۱۴

درس دوم: صناعة التلمیخ فی الادب الفارسی

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۱۷
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۲۰
- پخش سوم: قواعد درس - اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه ... ۲۲
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۲۴

درس سوم: عجائب المخلوقات

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۲۶
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۲۹
- پخش سوم: قواعد درس - اسلوب (ساختار) شرط ۳۱
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۳۳

درس چهارم: تأثیر اللغة الفارسیة علی اللغة العربیة

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۳۶
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۳۹
- پخش سوم: قواعد درس - معرفه و نکره - ترجمه فعل مضارع (۱) .. ۴۲
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۴۵

درس پنجم: الصدق

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۴۸
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۵۱
- پخش سوم: قواعد درس - جمله بعد از نکره (جمله وصفی) ۵۳
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۵۴

درس ششم: ارحموا ثلاثا

صفحه

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۵۶
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۵۹
- پخش سوم: قواعد درس - ترجمه فعل مضارع (۲) ۶۱
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۶۳

درس هفتم: لا تقنطوا

- پخش اول: واژگان و ترجمه ۶۵
- پخش دوم: سؤالات واژگان و ترجمه ۶۸
- پخش سوم: قواعد درس - معانی افعال ناقصه ۷۰
- پخش چهارم: سؤالات قواعد ۷۲
- پاسخ‌های تشریحی کتاب ۷۴

ضمیمه: امتحانات شبیه‌سازنهایی

- امتحان (۱) - نوبت اول (میان سال) ۹۲
- امتحان (۲) - نوبت اول (میان سال) ۹۴
- امتحان (۳) - نوبت دوم ۹۶
- امتحان (۴) - نوبت دوم - خرداد ۱۴۰۲ (صبح) با تغییر ۹۸
- امتحان (۵) - نوبت دوم - خرداد ۱۴۰۲ (عصر) با تغییر ۱۰۱
- امتحان (۶) - نوبت دوم - خرداد ۱۴۰۲ (غایبیین) با تغییر ۱۰۳
- امتحان (۷) - نوبت دوم - نهایه خرداد ۱۴۰۳ ۱۰۶
- پاسخ امتحانات همراه باریز بارم‌بندی ۱۰۸



مواعظ قیمه

اسم التفضیل و اسم المكان

الدرس الأول

واژگان و ترجمه

بخش اول:

واژگان

توضیح	ترجمه	کلمه / ترکیب	توضیح	ترجمه	کلمه / ترکیب
دام: گاهی در فارسی به آن «گهزبا» گفته می‌شود که نادرست است.	برق	الكهزباء	«خیر» و «شَر» اگر همراه با «مِنْ» بیاید، قطعاً اسم تفضیل است.	بهتر از	خَيْر مِنْ
—	تغذیه خوب	حُسْن التَّغْذِيَةِ	«خیر» و «شَر» اگر «ال» بگیرد، عمراً اسم تفضیل نیست.	خوبی	الْخَيْر
فعل ثلاثی مجزّد صیغه متکلم مع الغیر	می‌بینیم	نَرَى	جمع مکسر؛ مفرد: مَوْعِظَةٌ	پندها	مَوَاعِظُ
فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب تَفْعِيل	تقدیم می‌کند	يُقَدِّمُ	دام: قِیمَة: ارزش	ارزشمند	قِيَمَةٌ
جمع: نماذج	نمونه، الگو	نَمُودَج	فعل ثلاثی مزید باب اِفْعَال	دوست دارد	يُحِبُّ
—	تربیتی	تَرْبِيَوِي، تَرْبِيَوِيَّة	جمع مکسر؛ مفرد: الأب	پدران	الآباء
فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب اِفْتِعَال	تا هدایت شود	لِيَهْتَدِيَ	جمع مکسر؛ مفرد: الأم	مادران	الأمهات
جمع مکسر؛ مفرد: الشَّاب	جوانان	الشَّباب	اسم تفضیل	بهترین، بهتر	أَحْسَن
دام: بُنِّيَّتِي: دخترکم	پسرکم	بُنِّي	فعل ثلاثی مزید باب اِفْعَال	راهنمایی می‌کند	يُرْشِدُونَ
فعل امر؛ ثلاثی مزید باب اِفْعَال؛ ریشه: قوم	به پا دار، انجام بده	أَقِم	مصدر ثلاثی مزید باب تَفْعَل، دام: تَعْلِيم: یاد دادن	یادگیری	تَعَلَّمَ
فعل امر؛ ثلاثی مجزّد؛ ریشه: امر؛ متضاد: إِنْه	و دستور بده، و امر کن	وَأْمُر	جمع مکسر؛ مفرد: الفَنّ	هنرها، مهارتها	الفنون
فعل امر؛ ثلاثی مجزّد؛ ریشه: نهی؛ متضاد: وَأْمُر	و باز دار، و نهی کن	وَأَنْه	مصدر ثلاثی مزید باب اِفْتِعَال	دوری کردن	الإبتعاد
متضاد: المعروف	ناشیست	الْمُنْكَر	اسم تفضیل؛ جمع مکسر؛ مفرد: الأَرْدَل	فرومایگان	الأرادل
فعل ماضی؛ ثلاثی مزید باب اِفْعَال	به تو رسید	أَصَابَكَ	مصدر ثلاثی مزید باب تَفْعَل	نزدیکی	التَّقَرُّب
—	کارهای مهم	عِزَمُ الْأُمُور	اسم تفضیل؛ جمع مکسر؛ مفرد: الأَفْضَل	شایستگان	الأفاضل
فعل نهی؛ ثلاثی مزید باب تَفْعِيل	با تکبر رویت را برنگردان	لَا تَصْعَرْ خَدَّكَ	مصدر ثلاثی مزید باب اِفْتِعَال	توجه	الإهتمام
—	گونه، چهره	خَدّ	دام: الرِّیاضِيّ: ورزش کار	ورزش	الرِّیاضَة
فعل نهی؛ ثلاثی مجزّد؛ ریشه: مشی	راه نرو	لَا تَمْشِ	مصدر ثلاثی مزید باب مُفَاعَلَة	مطالعه کردن	مُطالعة
			مصدر ثلاثی مزید باب اِفْتِعَال	میانروی	الإقتصاد
			مصدر ثلاثی مزید باب اِفْتِعَال	مصرف کردن	استهلاك

ترجمه	توضیح	کلمه / ترکیب
شادمانه و با ناز و خودپسندی	—	مَرَحًا
دوست ندارد	فعل مضارع منفی؛ ثلاثی مزید باب افعال	لَا يَحِبُّ
خودپسند	—	مُخْتَال
فخر فروش	—	فَخُور
میان‌ه‌روی کن	فعل امر؛ ثلاثی مجزء	اقْصِدْ
روش، راه رفتن	—	مَشِي
کم کن، پایین بیاور	فعل امر؛ ثلاثی مجزء	أَغْصُصْ
زشت‌تر، زشت‌ترین	اسم تفضیل	أَنْكَرَ
صداها	جمع مکسر؛ مفرد: الصَّوْت	الأصْوَاط
خَرها	جمع مکسر؛ مفرد: الجِمَار	الخَمِير
مراقبت می‌کند	فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب مُفَاعَلَة	يُحَافِظُ
ما باید، بر ما واجب است	اگر «غلی + اسم یا ضمیر» ابتدای جمله بیاید معنای «باید» دارد.	عَلَيْنَا أَنْ
نهی کنندگان	جمع مذکر سالم	نَاهِيْنَ
مشکلات	جمع مکسر؛ مفرد: المُشْكِل	المَشَاكِل
سختی‌ها	جمع مکسر؛ مفرد: الشَّدِيد	الشَّدَائِد
زیرا	—	فَإِنَّ
که تواضع کنیم	فعل ثلاثی مزید باب تَفَاعُل، متضاد: أَنْ نَتَكَبَّرَ	أَنْ نَتَوَاضَعَ
مقابل	متضاد: خَلْف، وَرَاء	أَمَامَ
استادان	جمع مکسر؛ مفرد: أَسَاطِدَة	أَسَاطِدَة
دوستان	جمع مکسر؛ مفرد: صَدِيق	أَصْدِقَاء
همسایگان	جمع مکسر؛ مفرد: جَار	جِيرَان
نزدیکان	جمع مکسر؛ مفرد: قَرِيب	أَقْرَبَاء
عمر می‌کند، ماندگار می‌شود	—	تَعْمُرُ
ستمکار زورمند	—	الجَبَّار
خودپسند	إِعْجَابٌ بالنفس: خودپسندی	مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ
بنابراین	—	إِذْنًا
دیگران	اسم تفضیل؛ دام: الآخرین: آیندگان	الْآخَرِينَ
تشبیه کرده است	فعل ثلاثی مزید باب تَفْعِيل	قَدْ شَبَّهَ
گران‌تر، گران‌ترین	اسم تفضیل ← متضاد: أَرْخَصَ	أَعْلَى
ترجمه	توضیح	کلمه / ترکیب
پرسیده شد	فعل ماضی مجهول	سُئِلَ
آرامش	مترادف: الهُدوء	السَّكِينَة
دورو	اصطلاح	ذَوَا الْوَحْشَيْنِ
هدیه کرد	فعل ثلاثی مزید باب افعال	أَهْدَى
چیره شد	—	غَلِبَتْ
چهارپایان	مفرد: البَهِيمَة	الْبَهَائِم
ورزشگاه	اسم مکان ← جمع: مَلْعَب	مَلْعَب
رستوران	اسم مکان ← جمع: مَطَاعِم	مَطْعَم
کارخانه	اسم مکان ← جمع: مَصَانِع	مَصْنَع
آشپزخانه	اسم مکان ← جمع: مَطَايِخ	مَطْبَخ
ایستگاه	اسم مکان ← جمع: مَوَاقِف	مَوْقِف
کتابخانه	اسم مکان ← جمع: مَكَاتِب	مَكْتَبَة
چاپخانه	اسم مکان ← جمع: مَطَابِع	مَطْبَعَة
بحث کن	فعل امر؛ ثلاثی مزید باب مُفَاعَلَة	جَادِلْ
گمراه شد	فعل ثلاثی مجزء ← حروف اصلی: ضلّل	ضَلَّ
ماندگار تر، ماندگارترین	اسم تفضیل ← متضاد: أَقْنَى	أَبْقَى
بشتاب	—	حَيَّ
پا	—	الرَّجْل
بازار	جمع: أَشْوَاق	سُوق
فروشنده	اسم فاعل از ثلاثی مجزء	بَائِع
خوش آمدید	—	مَرْحَبًا بِكَ
قیمت	جمع: أَشْعَار	سِعَر
ارزان‌تر، ارزان‌ترین	متضاد: أَعْلَى	أَرْخَصَ
سفید	رنگ‌های بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل نیستند.	أَبْيَضَ
مشکی	رنگ‌های بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل نیستند.	أَسْوَدَ
آبی	رنگ‌های بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل نیستند.	أَزْرَقَ
قرمز	رنگ‌های بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل نیستند.	أَحْمَرَ
زرد	رنگ‌های بر وزن «أَفْعَل» اسم تفضیل نیستند.	أَصْفَرَ
بنفش	—	بِنَفْسَجِي
لباس‌های زنانه	جمع مکسر ← مفرد: الفُسْتَان	الْفُسَاتِين
طبق، برحسب	—	حَسَبَ
جنس‌ها	جمع مؤنث سالم ← مفرد: التَّوَعِيَة	النَّوَعِيَّات

توضیح	ترجمه	کلمه / ترکیب	توضیح	ترجمه	کلمه / ترکیب
متضاد: حَسَن	بد شد	سَاءَ	مفرد: السَّوَال	شلوارها	السَّرَاوِل
فعل ثلاثی مزید باب تفعیل	عذاب داد، شکنجه کرد	عَذَّبَ	اسم مکان ← جمع: مَتَاجِر	مغازه	مَتَجَر
فعل ثلاثی مزید باب تفعیل	نیکو گردانیدی	حَسَّنْتَ	جمع: زُمَلَاء	همکار، همکلاسی	زَمِيل
جمع: أَخْلَقَ	خوی، اخلاق	خُلِقَ	مترادف: أَصْبَحَ	شد، گشت	صَارَ
اسم تفضیل ← متضاد: أَخَفَّ	سنگین تر، سنگین ترین	أَثْقَلَ	مصدر ثلاثی مزید باب تفعیل	تخفیف	التَّخْفِيفُ
جمع: المَوَازِين	ترازو، ترازوی اعمال	المِيزَان	—	خودرأی	المُسْتَبِدَّ
فعل امر؛ ثلاثی مزید باب إفعال	نیکی کن	أَحْسِنْ	فعل مضارع مجهول	به کار گرفته می شود	يُسْتَعْدَمُ
فعل نهی؛ ثلاثی مزید باب إفعال	نزدیک نشوید	لَا تَقْتَرِبُوا	—	سواری	الرُّكُوب
فعل مستقبل؛ ثلاثی مزید باب إفعال	شکسته خواهد شد	سَيَنْكَسِرُ	فعل امر؛ ثلاثی مزید باب تفعیل	جدا و سوا کن	مَيِّزْ
مصدر ثلاثی مزید باب إستفعال	آمرزش خواستن	إِسْتِغْفَار	فعل مضارع؛ ثلاثی مجرد؛ حروف اصلی «سبب»	که دشنام دهد	أَنْ يَسُبَّ
فعل امر؛ ثلاثی مزید باب تفعّل	یاد بگیر	تَعَلَّمْ	فعل ماضی بعید	دشنام داده بود	كَانَ سَبَّ
فعل ثلاثی مزید باب تَفَاعَلَ	عوض کردید	تَبَادَلْتُمْ	—	آرام باش	مَهْلًا
فعل امر؛ ثلاثی مزید باب تفعیل	یاد بده	عَلِّمْ	فعل امر؛ ثلاثی مجرد؛ حروف اصلی «ودع»	رها کن	دَعْ
فعل مضارع منفی (نفی)؛ ثلاثی مزید باب تفعیل	تکلیف نمی دهد	لَا يَكْلِفُ	—	دشنامگو	شَاتِم
مترادف: طاقَة	توانایی	وُسْعٌ	—	خوار شده	مُهَان
اسم تفضیل	بنده ترین	أَغْبَدَ	در اصل «تُرْضِي» بوده است؛ ثلاثی مزید باب إفعال	راضی می کنی	تُرْضِي
فعل ماضی؛ ثلاثی مزید باب إفعال	برپا کرد	أَقَامَ	فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب إفعال	خشمگین می کنی	تُسَخِّطُ
جمع مکسر؛ مفرد: «الْفَرِيضَةُ»	واجبات	الْفَرَائِضُ	فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب مُفَاعَلَة	کیفر می دهی	تُعَاقِبُ
متضاد: صَدَاقَة، خُلَّة، دَام؛ أَعْدَاء، عَدُو؛ دشمنان	دشمنی	عِدَاوَة	فعل ماضی منفی؛ ثلاثی مزید باب إفعال	خشنود نکرد	مَا أَرْضَى
جمع مکسر: الْعَمَال	کارگر	الْعَامِل	فعل ماضی منفی؛ ثلاثی مزید باب إفعال	خشمگین نکرد	لَا أَسَخَّطَ
فعل ماضی؛ ثلاثی مزید باب تفعیل	تمام کرد، پایان داد	تَمَّمَ	مترادف: السَّكُوت، متضاد: التَّكَلُّم	سکوت	الصَّمْتُ
فعل مضارع؛ ثلاثی مزید باب إفعال	کار می کند	يَسْتَعْمِلُ	فعل ماضی مجهول؛ ثلاثی مزید باب مُفَاعَلَة	کیفر نشد	لَا عَوِّقَ
—	فرهنگی	ثَقَافِيَّة	مترادف: لَعَلَّ، عَسَى	چه بسا	زَبَّ
			اسم تفضیل	رسانتر، رسانترین	أَبْلَغَ

کار با متن

متن	فنایت	ترجمه
خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ.	إِنْتِخِبَ ←	□ (۱) بهتر از خوبی، انجام دهنده آن است. □ (۲) بهتر از بهتر، انجام کار خیر است.
لِذَلِكَ يَرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصَّافَاتِ الطَّيِّبَةِ وَ الْإِتِّعَادِ عَنِ الْأَرَادِلِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفَاضِلِ.	كَمَلْ ←	به آن دلیل ایشان را به صفات پاکیزه و دوری از و نزدیکی به راهنمایی می کنند.
نَحْنُ نَهْتَمُّ بِالرَّيَاضَةِ وَ الْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ.	كَمَلْ ←	ما نسبت به و در آب و توجه می کنیم.
هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ السَّابِ.	صَحَّ (۴) ←	این، نمونه ای از تربیتی است که بیشتر جوانان را هدایت می کند.

۱- «صَحَّ (۴)» به این معنی است که در ترجمه ۴ خطا وجود دارد و باید اصلاح نمود. «ص أم خ» به این معنی است که مشخص شود عبارت مذکور از نظر مفهومی صحیح است یا خطا.

ترجمه	فالیات	متن	
ای نماز را به پا دار و به معروف و از منکر و بر شکیبایی کن!	کَمَلْ ←	﴿يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ﴾	۵
و در اعتدال داشته باش و صدايت را	کَمَلْ ←	﴿وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكِ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾	۶
☐ (۱) زیرا صدای خر از زشت ترین صداهاست. ☐ (۲) قطعاً زشت ترین صداها صدای خران است.	إِنْتَخِبْ ←	﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾	۷
ما به کارهای شایسته باشیم و از منکر بوده و در برابر مشکلات و صبور باشیم.	کَمَلْ ←	عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُسْتَأْقِنِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ.	۸
و ما باید در برابر استادمان و دوستان و همکلاسی ها و همکاران و عزیزانمان تواضع کنیم.	صَحَّحْ (۳) ←	وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدِنَا وَ أَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَ حِيرَانِنَا وَ أَقْرَبَانِنَا.	۹
☐ (۱) حکمت در قلب دارای تواضع رشد می کند، نه در در قلب خودبزرگبین و زورگو! ☐ (۲) حکمت در قلب انسان متواضع ماندگار می شود و در قلب انسان متکبر زورگو باقی نمی ماند!	إِنْتَخِبْ ←	الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.	۱۰
پس خداوند، سخن کسی را که بدون دلیلی منطقی صدایش را به صدای تشبیه کرده است.	کَمَلْ ←	فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ ذَلِيلٍ مُنْطَقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.	۱۱
سایر جملات مهم درس			
کوه دماوند از کوه های بلند ایران است.	صَحَّحْ (۲) ←	جَبَلُ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ.	۱۲
هرگاه به حکومت رسند هلاک می گردند.	کَمَلْ ←	إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.	۱۳
پیامبر خدا ﷺ پرسید: چه کسی مردم را نزد خداوند دوست دارد؟ گفتند: مردمی که به مردم دیگر نفع برسانند.	صَحَّحْ (۵) ←	سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.	۱۴
☐ (۱) نیکوترین زینت مرد، آرامش همراه با ایمان است. ☐ (۲) زینت نیکو برای مرد، آرامش داشتن مؤمن است.	إِنْتَخِبْ ←	أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.	۱۵
بهرتر از کار خوب است و از زیبا است.	کَمَلْ ←	خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.	۱۶
بدترین مردم کسی است که نباشد و از خیانت	کَمَلْ ←	شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْثَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.	۱۷
برترین کارها آن هاست.	کَمَلْ ←	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.	۱۸
پروردگارا ایمان آوردیم، پس ☐ (۱) ما را بیامرز و بر ما رحم کن در حالی که تو بهترین رحم کنندگانی! ☐ (۲) عذر ما را بپذیر و ما را ببخش حال آن که تو بهترین بخشایشگری!	إِنْتَخِبْ ←	﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾	۱۹
شب قدر از، است.	کَمَلْ ←	﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾	۲۰
بدترین مردم	کَمَلْ ←	شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.	۲۱
بهترین کسی است که عیب های شما را به شما	کَمَلْ ←	خَيْرٌ إِيْخَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيُوبَكُمْ.	۲۲
هر کسی که شهوتش مغلوب عقلش شود او بدتر از گیاهان است.	صَحَّحْ (۳) ←	مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.	۲۳
و به شیوه ای که است با آن ها بحث کن، زیرا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، است.	کَمَلْ ←	﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾	۲۴
..... جندی شاپور در خوزستان در جهان قدیم است. ☐ (۱) دانشگاه - برترین دانشگاه ☐ (۲) کتابخانه - بزرگ ترین کتابخانه	إِنْتَخِبْ ←	كَانَتْ مَكْتَبَةً «جَنْدِي سَابُور» فِي خُوزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.	۲۵
قیمت های این پیراهن های مردانه چند است؟ نود هزار تومان!	صَحَّحْ (۳) ←	كَمْ سَعَرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ سِتُّونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.	۲۶
☐ (۱) ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران اند. ☐ (۲) گران تر از این می خواهم. این قیمت ها ارزان اند.	إِنْتَخِبْ ←	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ.	۲۷
سفید و و و قرمز و زرد و	کَمَلْ ←	أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ بَنَفْسَجِيٌّ.	۲۸

معنی	ثبات	ترجمه
۲۹	صَحَّ (۲) ←	آن مغازه دوستم است او لباس‌های بهتری دارد.
۳۰	إِنْتَجِبَ ←	مبلغ هزار تومان شد؛ پس از دوپست و بیست هزار به من بده. ☐ (۱) دوپست و سی - تخفیف ☐ (۲) سیصد و بیست - حراجی
۳۱	مِنْ أَمْرٍ ←	
۳۲	مِنْ أَمْرٍ ←	
۳۳	مِنْ أَمْرٍ ←	
۳۴	إِنْتَجِبَ ←	☐ (۱) قنبر خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد. ☐ (۲) قنبر می‌خواهد به کسی که به او ناسزا می‌گفت، دشنام دهد.
۳۵	كَمَلْ ←	ای قنبر، دشنام‌گوی خود را خوار تا (خدای) بخشاینده را و اهریمن را کنی و دشمنت را داده باشی.
۳۶	صَحَّ (۳) ←	مؤمن پروردگارش را با (چیزی) مانند سپاسگزاری خشنود نکرده است و اهریمن را با (چیزی) همانند صبر به وجد نیاورده است.
۳۷	إِنْتَجِبَ ←	☐ (۱) نادانان هیچ‌گاه کیفر نمی‌شوند مگر با سکوت نکردن در برابرشان. ☐ (۲) نادان با (چیزی) همانند دم‌فروستن در برابرش کیفر نشد.
۳۸	صَحَّ (۳) ←	هر کس آفرینشش با بدی باشد خودش عذاب می‌بیند.
۳۹	كَمَلْ ←	خدایا که آفرینشم را پس اخلاقم را
۴۰	كَمَلْ ←	چیزی در ترازو از اخلاق نیکو نیست.
۴۱	صَحَّ (۲) ←	خداوند وجودی را بیش از توانش عذاب نمی‌کند.
۴۲	إِنْتَجِبَ ←	☐ (۱) بی‌نیازترین مردم کسی است که از فرض‌ها بی‌نیاز است. ☐ (۲) بنده‌ترین مردم کسی است که واجبات دینی را برپا کند.
۴۳	كَمَلْ ←	 بندگان خدا نزد خدا برای بندگان است.
۴۴	صَحَّ (۲) ←	دشمن دانا بهتر از دوست نادان است.

سوالات واژگان و ترجمه

بخش دوم:

اجعل كلمة مناسبة في مكانها المناسب.

التمرین الأول:

ضَرَّ - قِيَمَة - رُؤْيَة - يُرْشِدُ - حَسَنَة - أَرَادَ - مَعْرُوف - خَدَّ - أَنْكَرَ - مَشَاكِلَ - مُتَوَاضِعٌ - مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ - هُدًى - أَمَانَة - غَالِيَة - صُمْتُ - حَسَنٌ - عِدَاوَة - حَقِيرٌ - تَقَرَّبَ

..... =	۵۲- یه‌دی	 ≠	۴۵- سبینه
..... =	۵۳- سِغَر	 =	۴۶- سیمما
..... ≠	۵۴- رخیصه	 ≠	۴۷- نَفَع
..... =	۵۵- مشاهدَة	 =	۴۸- مُخْتَالَ
..... =	۵۶- شدائد	 ≠	۴۹- مُنْكَر
..... ≠	۵۷- فُخْور	 ≠	۵۰- ابتعاد
..... =	۵۸- سَكِينَة	 ≠	۵۱- أَفْضَل
..... ≠	۵۹- خيانه	 =	۶۰- أَقْبَح
..... =	۶۱- سُكُوت	 =	۶۲- مُهَانَة
..... =	۶۳- صَدَاقَة	 ≠	۶۴- سَاء

أَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ.

التمرين الثاني:

- ٦٥- آلة لمعرفة وزن الأشياء:
 ٦٧- الذي يفتخر بنفسه كثيراً:
 ٦٩- الذي يزور الأماكن المقدسة:
 ٧١- عضو في الوجه:
 ٦٦- المستبد الذي لا يرى لأحد عليه حقاً:
 ٦٨- العمل السيئ و القبيح:
 ٧٠- حيوان يُستخدَم للحمل و الزكوب:
 ٧٢- تعمُر في قلب المتواضع:

أَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الصُّورِ.

التمرين الثالث:



٧٥-



٧٤-



٧٣-



٧٧-



٧٦-

أَكْتُبْ مَا يُطَلَبُ عَنِ الْمُفْرَدَاتِ.

التمرين الرابع:

- | | | | |
|---------------|------|----------------|------|
| ٧٩- وَدَّ | جمع | ٧٨- أَب | جمع |
| ٨١- أَرَادِل | مفرد | ٨٠- أَعْمَال | مفرد |
| ٨٣- كِتَاب | جمع | ٨٢- أَفْضَل | مفرد |
| ٨٥- شَاب | جمع | ٨٤- مَوَاعِظ | مفرد |
| ٨٧- شِدَائِد | مفرد | ٨٦- حَمِير | مفرد |
| ٨٩- مُمَلَاء | مفرد | ٨٨- أَسَاتِذَة | مفرد |
| ٩١- فُنُون | مفرد | ٩٠- جَار | جمع |
| ٩٣- عَيْب | جمع | ٩٢- نَمُوذَج | جمع |
| ٩٥- بَهَائِم | مفرد | ٩٤- إِخْوَان | مفرد |
| ٩٧- قُسْتَان | جمع | ٩٦- سِعْر | جمع |
| ٩٩- فَرِيضَة | جمع | ٩٨- سِرْوَال | جمع |
| ١٠١- ثَعَالِب | مفرد | ١٠٠- ذُنَاب | مفرد |

إِنْتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

التمرين الخامس:

- | | | | |
|-----------------|--------|----------|----------|
| ١٠٢- مُتَكَبِّر | فَخُور | نَمُوذَج | مُخْتَال |
| ١٠٣- حَدَّ | سِنَّ | لِسَان | مَرَح |
| ١٠٤- نَمَازَج | حَمِير | ثَعَالِب | ذُنَاب |

۱۰۵- □ سروال	□ ضمت	□ فُستان	□ قميص
۱۰۶- □ أَكْرَمَ	□ أَعْلَمَ	□ أَخَذَ	□ أَغْبَدَ
۱۰۷- □ مُمَرَّضَةٌ	□ بَانَعَةٌ	□ فَلَاحَةٌ	□ قِيَمَةٌ
۱۰۸- □ أَصْفَرُ	□ أَزْرَقُ	□ أَبْيَضُ	□ أَكْثَرُ
۱۰۹- □ خِصَالُ	□ صِفَاتُ	□ مَكَارِمُ	□ فَرَائِضُ
۱۱۰- □ أَحْمَرُ	□ أَحْسَنُ	□ أَجْمَلُ	□ أَضْلَحُ
۱۱۱- □ عَيْبٌ	□ رَذِيلَةٌ	□ سُوءٌ	□ زَمِيلٌ

التمرین السادسة: اُكْتُبْ معنی المفردات الّتي تحتها خطٌ.

- ۱۱۲- يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَّاتِ. —————
 ۱۱۴- يُقَدِّمُ لُقْمَانُ لِإِبْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. —————
 ۱۱۶- لَا تَعْمُرْ فِي قَلْبِ الْمُنْتَكِبِ الْجَبَّارِ. —————
 ۱۱۸- لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ. —————
 ۱۲۰- ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾ —————
 ۱۲۲- أَعْطَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ. —————
 ۱۲۴- الْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ. —————
 ۱۲۶- وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلضُّوَابِ بِمَنْكَلٍ. —————
 ۱۲۸- وَهَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِّيٌّ. —————
 ۱۱۳- تَعَلَّمُ الْفُنُونُ النَّافِعَةَ. —————
 ۱۱۵- ﴿لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾ —————
 ۱۱۷- أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. —————
 ۱۱۹- ذَلِكَ مُتَجَرِّ زَمِيلِي. —————
 ۱۲۱- إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. —————
 ۱۲۳- مَهْلًا يَا قَنْبَرُ. —————
 ۱۲۵- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. —————
 ۱۲۷- وَأَقْلُ يَا غَفُورٌ عُثْرَتِي. —————
 ۱۲۹- دَعُ شَاتِمَكَ. —————

التمرین السابعة: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً فِي مَا يَلِي.

تَعْمُرُ - عَمُودٌ - لَا تَرْفَعُ - سِرَاوِيلُ - الصَّمْتُ - حَسَنَتْ - سَغُرُ - يُرْشِدُونَ

- ۱۳۰- اِشْتَرَيْنَا وَفَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.
 ۱۳۲- الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ.
 ۱۳۴- إِنَّ الدِّينَ الصَّلَاةَ.
 ۱۳۶- عَلَيْنَا أَنْ أَصَوَاتِنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ.
 ۱۳۱- اللَّهُمَّ كَمَا خَلَقْتَ فَحَسِّنْ خُلُقِي.
 ۱۳۳- لَا أَسْخَطُ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ
 ۱۳۵- كَمْ هَذَا الْقَمِيصُ الرَّجَالِي؟
 ۱۳۷- إِنَّ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ أَوْلَادَهُمْ دَائِمًا.

التمرین الثامنة: اكْمِلِ التَّرْجُمَةَ.

- ۱۳۸- لَا يَقْدِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْجَبَّارُ أَنْ يَزْرَعَ بَذْرَ الْحِكْمَةِ فِي قَلْبِهِ: بزرگ بین نمی تواند بذر حکمت را در قلب خودش
 ۱۳۹- عَقَائِدُنَا هِيَ الَّتِي تَدْعُونَا إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ أَوْ أَسْوئِهَا: عقاید ما همان است که ما را به کارها یا آن ها
 ۱۴۰- اِشْتَرَيْتُ سِرْوَالًا بَعْدَ التَّخْفِيفِ بِسَعْرِ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ: شلواری را بعد از به قیمت تومان خریدم.
 ۱۴۱- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: هر کس اخلاقش خودش را
 ۱۴۲- دَعُ شَاتِمَكَ مُهَانًا تُرْضِ الرَّحْمَنَ وَتُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ: را خوار رها کن تا خدای بخشنده را و شیطان را
 ۱۴۳- عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ الْآخَرِينَ وَ لَا نَتَكَبَّرَ: ما باید در برابر متواضع باشیم و
 ۱۴۴- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: چیزی در از اخلاق نیکو نیست.
 ۱۴۵- تَعَلَّمُ الْاِقْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرِبَاءِ: صرفه جویی در آب و را یاد بگیر.

التمرین التاسعة: عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ۱۴۶- إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.
 □ الف) قطعاً خدا هر خودپسندی را دوست ندارد.
 □ ب) به راستی خدا هر زورگویی را دوست نمی دارد.
 ۱۴۷- الْحِكْمَةُ تَنْبُتُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ تَعْمُرُ فِيهِ.
 □ الف) حکمت در دل فروتنی می کند و در آن می روید.
 □ ب) حکمت در قلب فروتن می روید و در آن ماندگار می شود.

۱۴۸- إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّتْ.

□ الف) همانا بهترین کارها نزد خدا بادوام‌ترین آن‌ها است اگرچه کم باشد.

□ ب) به راستی محبوب‌ترین کارها نزد خدا ماندگارترین آن‌هاست اگرچه اندک باشد.

۱۴۹- كَانَتْ الْمُدْرَسَةُ تَنْصَحُنَا وَتَقُولُ: لَا تُسْرِفَنَّ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ.

□ الف) خانم معلم ما را نصیحت می‌کرد و می‌گفت در مصرف آب صرفه‌جویی کنید.

□ ب) خانم معلم به ما نصیحت می‌کرد و می‌گفت در مصرف آب اسراف نکنید.

۱۵۰- أَوْصَانَا وَالِدُنَا بِتَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَالْفُنُونِ.

□ الف) والدین ما، ما را به یادگیری علوم و فنون نصیحت کردند. □ ب) پدرمان ما را به آموختن دانش‌ها و هنرها سفارش کرد.

۱۵۱- يَجِبُ أَنْ لَا نَرْفَعُ أَصَوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ.

□ الف) نباید صدایمان را بالاتر از صدای کسی که با او صحبت می‌کنیم، بالا ببریم.

□ ب) صداهایمان را نباید بالای صدای کسی که با او سخن می‌گوییم، بالا ببریم.

ترجم العبارات إلى الفارسية المألوفة.

۱۵۲- و هذا نموذجُ تربويٍّ ليهتدي به كُلُّ الشَّبَابِ.

۱۵۳- ﴿وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾

۱۵۴- عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

۱۵۵- أَكْبُرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ.

۱۵۶- مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجِلْمِ.

۱۵۷- لَا عُوقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السَّكُوتِ عَنْهُ.

۱۵۸- صَارَ الْمِبْلَغُ مِثَّتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

۱۵۹- يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ.

ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

۱۶۰- يا زميلي دَع لَكَ حَقِيرًا لِرِضَا اللَّهِ. (نوعیة، شاتم، أشعار)

۱۶۱- أَعْبَدُ النَّاسَ مَنْ الْفَرَاغِ. (أقام، قام، يقوم)

۱۶۲- ذَهَبَ الْعَامِلُ إِلَى بَيْتِهِ بَعْدَمَا وَاجِبَاتِهِ بِدَقَّةٍ. (ضَلَّ، سَاءَ، تَمَّ)

۱۶۳- أَتَقَى النَّاسَ مِنْ لَا النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ. (يَقْبَلُ، يَخَافُ، يَدْخُلُ)

۱۶۴- وَالَّذِي يَشْتَغِلُ فِي مُؤَسَّسَةٍ ثَقَافِيَّةٍ. (تربويَّة، نموذج، زُكُوف)

۱۶۵- الْوَالِدَانِ لِأَوْلَادِهِمَا مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. (يَعْلَمُ، يُقَدِّمُ، يُفَرِّخُ)

۱۶۶- إِنَّنَا هَدِيَّةً لِرَمْلِنَا الْفَائِزِ. (عَمَرْنَا، أَهْدَيْنَا، غَلَبْنَا)

۱۶۷- إِنَّ أُخْتِي هِيَ تَلْمِيزَةٌ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. (الصغير، الصغرى، الأصغر)

قواعد درس - اسم تفضیل، اسم مکان

بخش سوم:

اسم تفضیل

اسم تفضیل، همان صفت تفضیلی در فارسی است که دارای معنای «تَر، تَرین» است و بر دو وزن «أَفْعَل، فُعْلَى» به کار می‌رود.

وزن «أَفْعَل» برای مذکر به کار می‌رود، اما اگر برای مقایسه دو نفر یا دو چیز بخواهیم از اسم تفضیل استفاده کنیم، چه مذکر چه مؤنث از «أَفْعَل مِنْ» استفاده می‌کنیم. به بیان دیگر در عربی چیزی به نام «فُعْلَى مِنْ» نداریم.

مثال عَلِيٌّ أَكْبَرُ مِنْ فَاطِمَةَ. - فاطمة أصغر من عليٍّ! - هذه المنضدة أجمل من تلك المنضدة.

• در سایر موارد (غیر مقایسه دو نفر) برای مذکر از «أَفْعَل» و برای مؤنث از «فُعْلَى» استفاده می‌کنیم.

مثال عَلِيٌّ أَحْسَنُ التَّلَامِيذِ. - فاطمة حُسْنَى التَّلْمِيذَاتِ.

نکات ۱ اسم تفضیل در جمع یا به صورت جمع سالم «وَنَ، يَنَ، ات» می‌آید و یا جمع مکسر بر وزن «أَفَاعِل».

مثال أَكْبَرُ، أَصَاغَرُ، أَفَاضِلُ، أَرَاذِلُ و ...

• البته ممکن است اسمی بر وزن یا آهنگ «أَفَاعِل» باشد، ولی مفردش اسم تفضیل نباشد.

مثال أَمَاكِنَ (که مفردش «مکان» است).

۲ وزن «أَفْعَل» در چند جا کمی تغییر می‌کند:

۱- دو حرف اصلی کلمه یکسان باشند. ﴿أَقَلَّ

مثال أَقَلَّ (کم‌ترین)، أَهَمَّ (مهم‌ترین)، أَشَدَّ (سخت‌ترین)، أَحَبَّ (دوست‌داشتنی‌ترین)، أَجَلَّ (گران‌قدرترین)

۲- حرف آخر اصلی «و، ی» باشد ﴿أَفْعِلْ﴾ (ا)

مثال أَقْوَى (قوی‌تر، ترین)، أَعْلَى (گران‌تر، ترین)، أَعْلَى (بالا‌تر، بالاترین) و ...

۳ دام‌ها:

۱- رنگ‌ها و عیب‌ها هر چند بر وزن «أَفْعَلْ» هستند، اما اسم تفضیل محسوب نمی‌شوند. مؤنث این کلمات بر وزن «فَعْلَاء» است.

مثال رنگ‌ها: أَرْزَق (آبی) - أَحْمَر (قرمز) - أَخْضَر (سبز) - أَصْفَر (زرد) - أبيض (سفید) - أسود (مشکی) که مؤنثشان می‌شود: زَرْقَاء - حَمْرَاء - خَضْرَاء -

صَفْرَاء - بیضاء - سوداء

مثال عیب‌ها: أَعْمَى (کور) - أَصَمَّ (کر) - أَبْکَم (لال) و ...

۲- برخی فعل‌ها نیز شبیه اسم تفضیل اند، آن‌ها را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید. بهترین راه، ترجمه کردن جمله است:

• وزن «أَفْعَلْ» ماضی باب افعال!

مثال أَكْرَمَ اللهُ الْإِنْسَانَ: خداوند انسان را گرامی داشت.

• وزن «أَفْعِلْ» امر باب افعال!

مثال أَحْسِنْ إِلَى النَّاسِ: به مردم نیکی کن!

• وزن «أَفْعَلْ» مضارع ثلاثی مجرد صیغه متکلم وحده (أنا)!

مثال أَعْلَمَ أَنَّ النَّاسَ ...: می‌دانم که مردم ...

۴ به طور کلی اگر بلافاصله بعد از وزن «أَفْعَلْ» یک حرف داشتیم، چنان‌چه آن حرف، «مِن» باشد، غالباً وزن «أَفْعَلْ» اسم تفضیل است و اگر آن حرف غیر از «مِن» باشد، غالباً وزن «أَفْعَلْ» اسم تفضیل نیست.

مثال • أَعْلَمَ أَنَّ ...: می‌دانم که (اسم تفضیل نیست).

• أَحْسَنَ إِلَى ...: نیکی کن به ... (اسم تفضیل نیست).

۵ اگر پس از وزن «أَفْعَلْ» یک اسم مجرور (دارای علامت -، َ، ِ) داشتیم، صددرصد وزن «أَفْعَلْ» اسم تفضیل است.

مثال أَحْسَنَ التَّلَامِيذِ: بهترین دانش‌آموزان

۶ عدد چهار یعنی «أَرْبَع» نیز بر وزن «أَفْعَلْ» است، اما اسم تفضیل نیست؛ اما عدد «الأَوَّل» اسم تفضیل است که مؤنث آن هم «الأُولی» است!

۷ دو اسم «خَيْر، شَر» می‌توانند اسم تفضیل باشند. به شرطی که اولاً «ال» نگیرند، ثانیاً در ترجمه، حتماً معنای «تر، ترین» بدهند!

• انواع «خَيْر، شَر»

۱ مصدر: خوبی، بدی! **مثال** اِعْمَلِ الْخَيْرَ: خوبی را انجام بده!

۲ صفت ساده (مطلق): خوب، بد! اِلْتِفَاقُ خَيْرٍ: بخشش، خوب است!

۳ صفت تفضیلی (اسم تفضیل): بهتر، بدترین، بدتر، بدترین: أَنْتَ خَيْرُ التَّلَامِيذِ: تو بهترین دانش‌آموزان هستی!

نکات اگر پس از «خَيْر» و «شَر» یک اسم یا حرف «مِن» بیاید، به احتمال قریب به یقین اسم تفضیل است.

۸ چالش «آخِر» (پایان) و «أَخَر» (دیگر)

۱ هر دوی این اسامی از حروف اصلی یکسان «أَخَر» هستند.

۲ «أَخَر» بر وزن «فَاعِل» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است و «أَخَر» بر وزن «أَفْعَلْ» اسم تفضیل است!

۳ مؤنث اسم «أَخَر»، اسم «أَخْرَة» است، اما مؤنث اسم «أَخَر»، اسم «أُخْرَى» است.

۴ جمع «أَخَر»، جمع سالم «أَخْرَيْنَ، أَخْرُونَ» یا جمع مکثر «أَوَاخِر» است، اما جمع اسم «أَخَر» جمع سالم «أَخْرُونَ، أَخْرَيْنَ» یا جمع مکثر آن «أَخَر» است.

التمرین الثانی عشر: عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ تَرْجِمِهِ.

۱۶۸- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِأَلْسِنَةٍ هِيَ أَحْسَنُ﴾

۱۶۹- الْمَحِيطُ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيراً.

۱۷۰- ﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ﴾

التمرین الثالث عشر: عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اذْكُرْ مَحَلَّهُ الْإِعْرَابِيَّ.

۱۷۱- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

۱۷۲- ذَلِكَ مَتَجَرَّزٌ مِثْلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.

۱۷۳- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ.

۱۷۴- عَيِّنْ ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:

□ (۱) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقين!

□ (۳) أحبُّ أوسط الأمور لأنها خير الأعمال!

۱۷۵- عَيِّنْ ما فيه اسم التفضيل أَقَلَّ:

□ (۱) إِنَّ الْخَوْفَ مِنَ الْأَلَمِ أَسْوَأُ مِنْ نَفْسِ الْأَلَمِ!

□ (۲) لَا تَنْتَظِرُ النَّظْرَةَ الْحُسْنَى، إِعْمَلْهَا، سَيَجِيءُ لَكَ خَيْرٌ مِنْهَا!

□ (۳) إِنَّ الَّذِينَ يَنْصَحُونَكَ لِأَفْضَلِ الْأُمُورِ هُمُ الَّذِينَ جَرَّبُوا شَرَّ ظُرُوفِ الْحَيَاةِ غَالِبًا!

اسم مكان

• اسم مكان، اسمی است که دلالت بر مکان انجام کاری می‌کند. این اسم بر وزن «مَفْعَلٌ، مَفْعِلٌ، مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال مَقْتَلٌ (محل قتل)، مَشْرِقٌ (محل طلوع خورشید)، مَدْرَسَةٌ (محل درس آموزی)، مَلْعَبٌ (ورزشگاه)، مَطْبَخٌ (آشپزخانه)، مَطْعَمٌ (رستوران)، مَطْبَعَةٌ (چاپخانه) و ...

نکات ۱ اگر اسمی معنای مکان بدهد، اما بر وزن‌های فوق نباشد، عمراً اسم مکان محسوب نمی‌شود.

مثال

بَيْتٌ، شَارِعٌ، سَوْقٌ، فُنْدُقٌ و ...

۲ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِلٌ» می‌آید.

البته هر کلمه‌ای بر وزن «مَفَاعِلٌ» لزوماً اسم مکان نیست.

مثال مَلَاعِبٌ، مَدَارِسٌ، مَسَاكِنٌ، مَجَالِسٌ و ...

۳ اگر اسمی بر وزن «م ... ء» باشد، اما معنای مکان بدهد صد درصد اسم مکان از ثلاثی مزید است.

مثال مُسْتَشْفَى (بیمارستان)، مُسْتَوَصَفٌ (درمانگاه)، مُخْتَبَرٌ (آزمایشگاه)، مُعْجَمٌ (واژه‌نامه)، مُسْتَنْقَعٌ (باتلاق)

۴ ظاهر وزن «مَفْعَلٌ» گاهی تغییر می‌کند:

۱ اگر دو حرف از حروف اصلی یکسان باشد ➡ مَفَلٌ

۲ اگر حرف دوم اصلی «و» باشد ➡ مَفَالٌ

۳ اگر حرف دوم اصلی «ی» باشد ➡ مَفِيلٌ

۴ اگر حرف سوم اصلی «ی» باشد ➡ مَفْعِيٌ

مثال مَقَرٌّ، مَمَرٌ (راهرو)، مَحَلٌّ، مَطَبٌ

مثال مَكَانٌ، مَزَارٌ، مَدَارٌ و ...

مثال مَسِيرٌ و ...

مثال مَرْمِيٌّ (دروازه) و ...

۵ اگر اسمی بر وزن‌های اسم مکان باشد، اما معنای زمان بدهد اسم مکان نیست، بلکه اسم زمان است که در کتاب درسی اسمی از آن به میان نیامده است.

مثال مَوْعِدُنَا عِنْدَ الْغُرُوبِ: زمان وعده ما هنگام غروب است.

التمرین الرابع عشر: عَيِّنْ اسم المكان و ترجمه.

۱۷۶- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ ➡

۱۷۷- النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ: النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ. ➡

۱۷۸- اللَّيْلُ وَقْتُ مُمْتَدٍّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. ➡

التمرین الخامس عشر: عَيِّنْ إسم المكان و اكتب محله الإعرابي.

۱۷۹- كَانَ الْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. ➡

۱۸۰- ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. ➡

۱۸۱- الْبُومَةُ طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ. ➡

التمرین السادس عشر: لِلتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

(در این تمرین می‌بایست ویژگی‌های کلمه را بنویسید. به عنوان مثال اگر اسم باشد برای آن تعداد، جنس، اسم فاعل و اسم مفعول و ... را بنویسید و اگر فعل

باشد برای آن صیغه، زمان، معلوم یا مجهول و ... را بنویسید.)

۱۸۲- بُعِثْتُ: ۱۸۳- أَفَاضِلُ:

بخش چهارم: سوالات قواعد

التمرین السابع عشر: ضغ اسم التفضيل أو اسم المكان من الأفعال التالية.

۱۸۴- ضَغَّ (اسم التَّفْضِيلِ للمذكر): ۱۸۵- نَفَعَ (اسم التَّفْضِيلِ للمذكر):

۱۸۶- حَكَمَ (اسم المكان عَلَى وزن مفعلة): ۱۸۷- حَسَّنَ (اسم التَّفْضِيلِ للمؤنث):

- ۱۸۸- وَفَى (اسم التفضيل للمذكر):
 ۱۹۰- بَقِيَ (اسم التفضيل للمذكر):
 ۱۹۲- زَرَعَ (اسم المكان للجمع):
 ۱۹۴- عَزَّ (اسم التفضيل للمذكر):
 ۱۸۹- فَضَّلَ (اسم التفضيل للجمع):
 ۱۹۱- سَجَدَ (اسم المكان للجمع):
 ۱۹۳- كَبُرَ (اسم التفضيل للمذكر):

التمرين الثامن عشر: عَيْن اسم المكان و اسم التفضيل في العبارات التالية.

- ۱۹۵- أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ أَضْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ.
 ۱۹۶- الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.
 ۱۹۷- الدُّنْيَا مَنْزِلُ صَدِيقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا.
 ۱۹۸- كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِي سَابُورِ فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرِ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ.
 ۱۹۹- أَتَقْنَى النَّاسُ مَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ.
 ۲۰۰- مُعَلِّمُونَا فِي الْمَدْرَسَةِ مِنْ أَفْضَلِ مُعَلِّمِي الْبِلَادِ.
 ۲۰۱- تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ لَا تَعْبُوا الْآخَرِينَ.

التمرين التاسع عشر: ترجم التراكيب و الجمل التالية ثم عَيْن اسم التفضيل و اسم المكان.

- ۲۰۲- ﴿مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾
 ۲۰۳- ﴿و لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
 ۲۰۴- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾
 ۲۰۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 ۲۰۶- أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَشْغَارُ غَالِيَةٌ:

التمرين العشرون: عَيْن المطلوب.

- المفعول اسم التفضيل الخبر
 ۲۰۷- عداوة العاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صداقة الجاهِلِ:
 المبتدأ الخبر
 ۲۰۸- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ:
 المبتدأ الخبر
 ۲۰۹- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ:
 الفعل المجهول المفعول المضاف إليه
 ۲۱۰- ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا﴾:
 الفاعل المفعول
 ۲۱۱- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ:
 اسم التفضيل الصِّفَةُ الجار و المجرور
 ۲۱۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
 المبتدأ المضاف إليه المجرور بالحرف الجاز الخبر
 ۲۱۳- ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾:
 الخبر اسم التفضيل اسم الفاعل

التمرين الواحد والعشرون: اكتب العمليات الحسابية التالية.

- المثال: ثلاثون في ثلاثة يساوي تسعين: $30 \times 3 = 90$
 ۲۱۴- عشرون ناقص واحد يساوي تسعة عشر
 ۲۱۵- عشرة زائد أربعة يساوي أربعة عشر
 ۲۱۶- اثنان و سِتُّونَ تقسيم على اثنين يساوي واحدًا و ثلاثين
 ۲۱۷- ثمانية في ثلاثة يساوي أربعة و عشرين
 ۲۱۸- ستة و سِتُّونَ ناقص أحد عشر يساوي خمسة و ستين
 ۲۱۹- مئة تقسيم على اثنين يساوي خمسين
 ۲۲۰- خمسة و ستون زائد خمسة و عشرين يساوي تسعين

عَيْنُ الصَّحِيحِ

التمرين الثاني والعشرون:

﴿الله الذي يُقْبَلُ التَّوْبَةَ﴾ عباده	في	عَنْ	عَلَى
.....	أَكَابِرُ	فَضْلُ	أَفْضَلُ
.....	أَرْبَعَةٌ	خُمْسُ	خَمْسَةٌ
.....	يَزْرُقُونَ	يَزْرُقُ	يُرْزَقُونَ
.....	عَالِمُونَ	كَرِيمٌ	عَلَامٌ
.....	تِسْعِينَ	سَبْعِينَ	سِتِّينَ
.....	الْحَاكِمِ	الْمَحْكَمَةِ	الْمَحْكُومِ
.....	هَذِهِ	هَذَا	هُنَاكَ
.....	سِتَّةٍ	خَمْسَةَ عَشَرَ	سَبْعَةَ عَشَرَ
.....	مَزْرَعَةٌ	مَحْمَلٌ	مَأْمَنٌ

التمرين الثالث والعشرون:

إملاً الفِراغات وَ ترجم الأفعال.

الماضي	المضارع	المستقبل	الأمر	النهي	المصدر
إقْتَرَبْتُمَ	تَقْتَرِبُونَ	سَتَقْتَرِبُونَ	إقْتَرِبُوا	 ٢٣١-	إقْتِرَابٌ
..... ٢٣٢-	نزدِكٌ مِى شَوِيْد	 ٢٣٣-	نزدِك شَوِيْد	 ٢٣٤-	 ٢٣٥-
..... ٢٣٦-	يَنْكَسِرُ	سَوْفَ يَنْكَسِرُ	إِنْكَسِرْ	لا تَنْكَسِرْ	 ٢٣٧-
..... ٢٣٨-	شكسْتِه مِى شَوِيْد	 ٢٣٩-	 ٢٤٠-	 ٢٤١-	 ٢٤٢-
قَدْ أَحْسَنَ	يُحْسِنُ	سَوْفَ يُحْسِنُ	أَحْسِنْ	لا تُحْسِنْ	إِحْسَانٌ
..... ٢٤٣-	نِكِي مِى كَنْد	 ٢٤٤-	 ٢٤٥-	 ٢٤٦-	 ٢٤٧-
إِسْتَعْفَزْتُ	تَسْتَعْفِزُ	 ٢٤٨-	 ٢٤٩-	لا تَسْتَعْفِزْ	 ٢٥٠-
..... ٢٥١-	أَمْرَزش مِى خَوَاهِي	 ٢٥٢-	 ٢٥٣-	 ٢٥٤-	 ٢٥٥-
تَبَادَلْتُمْ	 ٢٥٦-	سَوْفَ تَتَبَادَلُونَ	 ٢٥٧-	لا تَتَبَادَلُوا	تَبَادُلٌ
..... ٢٥٨-		 ٢٥٩-	 ٢٦٠-	عَوِضْ نَكَنِيْد	 ٢٦١-
قَدْ جَادَلْتُ	قَدْ تُجَادِلُ	سَوْفَ تُجَادِلُ	 ٢٦٢-	 ٢٦٣-	 ٢٦٤-
بَحْثْ كَرْدِهَای	گاهي بَحْثْ مِى كَنِی	 ٢٦٥-	بَحْثْ كُنْ	 ٢٦٦-	بَحْثْ كَرْدَن
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	 ٢٦٧-	تَعَلَّمْ	لا تَتَعَلَّمْ	 ٢٦٨-
..... ٢٦٩-	ياد مِى گِيْرِد	ياد خَوَاهِدْ گَرَفْت	 ٢٧٠-	 ٢٧١-	 ٢٧٢-
قَدْ عَلِمْتُ	قَدْ نَعْلَمُ	سَوْفَ تُعْلَمُونَ	عَلِّمُوا	لا تُعْلَمُوا	 ٢٧٣-
ياد دَادِهَام	 ٢٧٤-	 ٢٧٥-	ياد بَدِهِيْد	 ٢٧٦-	يادَادَن

عَيْنُ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

التمرين الرابع والعشرون:

- ٢٧٧- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ.
- ٢٧٨- وَ لِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ.
- ٢٧٩- هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.
- ٢٨٠- وَ لَا غَوْقَبَ الْأَحْمَقِ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.
- ٢٨١- الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ.
- ٢٨٢- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤْلاً وَ جَوَاباً.

التمرين الخامس والعشرون:

- ٢٨٣- أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ - أَيُّ لَوْنٍ - وَ بِنَفْسَجِيٍّ - عِنْدَكُمْ.
- ٢٨٤- سِغَرٌ - الرَّجَالِي - سِتُّونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ - كَمْ - هَذَا الْقَمِيصِ.
- ٢٨٥- كَانَ يَدْرُسُ - فِي جَامِعَةٍ - أَيْنَ - طَهْرَانُ - هَذَا الْأُسْتَاذُ.
- ٢٨٦- هَذِهِ الْقَسَاتِينِ - خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ أَلْفًا - بِكُمْ تُوْمَانٍ.

پاسخ سوالات درس ۱

۱. گزینه «۱» بهتر از خوبی، انجام دهنده آن است.
۲. همیشه - فرومایگان - شایستگان
۳. ورزش - میانه روی - مصرف - برق
۴. «نَمُوذَجٌ تَرْبَوِيٌّ: الگوی تربیتی» - «لِيَهْتَدِيَ: تا هدایت شوند» - «كُلُّ: همه» - «به: به وسیله آن»
۵. پسر کم - امر کن - بازدار - آنچه به تو وارد آمده است.
۶. راه رفتن - پایین بیاور
۷. گزینه «۲» قطعاً زشت ترین صداها صدای خران است.
۸. باید - مشتاق - نهی کنندگان - سختی ها
۹. «أَسَاتِذَةٌ: استادان» - «جيران: همسایگان» - «أَقْرَبَاءُ: نزدیکان»
۱۰. گزینه «۲» حکمت در قلب انسان متواضع ماندگار می شود و در قلب انسان متکبر زورگو باقی نمی ماند!
۱۱. بالا می برد - خر
۱۲. «از» اضافی است. «أَعْلَى: بلندترین»
۱۳. فرومایگان - شایستگان
۱۴. از پیامبر خدا پرسیده شد: چه کسی محبوب ترین مردم نزد خداست؟ گفت: سودمندترین مردم برای مردم.
۱۵. گزینه «۱» نیکوترین زینت مرد، آرامش همراه با ایمان است.
۱۶. انجام دهنده آن - زیباتر - گوینده آن
۱۷. به امانت پایبند - دوری نکند
۱۸. میانه ترین
۱۹. گزینه «۱» ما را بیمارز و بر ما رحم کن، در حالی که تو بهترین رحم کنندگانی!
۲۰. هزار ماه، بهتر
۲۱. انسان دورو است.
۲۲. برادران - هدیه دهد
۲۳. «غَلَبَتْ: چیره شود» - «عقلش بر شهوتش» صحیح است. - «الْبَهَائِمُ: چارپایان»
۲۴. نیکوتر - داناتر
۲۵. گزینه «۲» کتابخانه - بزرگ ترین کتابخانه
۲۶. «سعر: قیمت» مفرد است. «الْقَمِيصُ: پیراهن» مفرد است. «سِتُون: شصت»
۲۷. گزینه «۱» ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران اند.
۲۸. مشکى - آبی - بنفش
۲۹. «زَمِيل: همکار» - «سراويل: شلوارها»
۳۰. گزینه «۱» دویت و سی - تخفیف
۳۱. نادرست - ترجمه: خر، همان فرد مستبذی است که برای کسی غیر از خودش حق را نمی بیند.
۳۲. نادرست - ترجمه: خودپسند حیوانی است که برای حمل و سواری به کار گرفته می شود.
۳۳. درست - ترجمه: گونه، عضوی در صورت است.
۳۴. گزینه «۱» قنبر خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد.
۳۵. صبر کن - رها کن - راضی کنی - خشمگین کنی - کیفر کنی
۳۶. «الْجِلْمُ: شکیبایی، صبر» - «لَا أَسْخَطُ: خشمگین نکرده است» - «الصَّمْتُ: سکوت»
۳۷. گزینه «۲» نادان با (چیزی) همانند دم فرو بستن در برابرش کیفر نشد.
۳۸. «خُلِقَتْ: اخلاقش» - «سَاءَ: بد باشد» - «عَذَّبَ: عذاب می دهد»

۳۹. همان طور - نیکو گردانیدی - نیکو گردان

۴۰. سنگین تر

۴۱. «لَا يَكْلَفُ: تکلیف نمی دهد» - «إِلَّا: مگر»

۴۲. گزینه «۲» بنده ترین مردم کسی است که واجبات دینی را برپا کند.

۴۳. دوست داشتنی ترین - سودمندترین آنها

۴۴. «عَدَاوَةٌ: دشمنی» - «صَدَاقَةٌ: دوستی»

۴۵. سَيِّئَةٌ (بدی) ≠ حَسَنَةٌ (خوبی)

۴۶. سَيِّئًا = خَدَّ (پوره)

۴۷. نَفَعَ (سود رساند) ≠ ضَرَّ (زیان داد)

۴۸. مُخْتَالٌ = معجب بنفسه (فروپسند)

۴۹. مُنْكَرٌ (ناپسند) ≠ معروف (شوب)

۵۰. اِبْتِعَادٌ (دوری هستن) ≠ تَقَرُّبٌ (نزدیکی)

۵۱. أَفْضَلُ (شایستگان) ≠ أَرَاذِلُ (فرومایگان)

۵۲. يَهْدِي = يُرْشِدُ (هدایت می کند) ۵۳. بَعْر = قِيَمَةٌ (قیمت)

۵۴. رَخِيصَةٌ (ارزان) ≠ غَالِيَةٌ (گران) ۵۵. مَشَاهِدَةٌ = رُؤْيَةٌ (دیدن)

۵۶. شَدَائِدٌ = مَشَاكِلُ (سفتی ها)

۵۷. فَخُورٌ (فخر فروش) ≠ متواضع (فروتن)

۵۸. سَكِينَةٌ = هُدُوءٌ (آرامش) ۵۹. خِيَانَةٌ ≠ أَمَانَةٌ

۶۰. أَقْبَحُ = أَنْكَرُ (زشت تر) ۶۱. سُكُوتٌ = صَمْتُ (سکوت)

۶۲. مُهْنًا = حَقِيرًا (فوار) ۶۳. صَدَاقَةٌ (دوستی) ≠ عَدَاوَةٌ (دشمنی)

۶۴. سَاءٌ (بد است) ≠ حَسَنٌ (خوب است)

۶۵. الميزان (ترازو) ترجمه: وسیله ای برای دانستن وزن اشیا

۶۶. المتكبر (فردفرواه) ترجمه: زورگویی که برای کسی حقی بر خودش قائل نیست.

۶۷. الفخور (فخر فروش) ترجمه: کسی که به خودش بسیار افتخار می کند.

۶۸. المنكر (کار زشت) ترجمه: کار ناپسند و زشت

۶۹. الزائر (زائر) ترجمه: کسی که بارگاه های مقدس را زیارت می کند.

۷۰. الحمار (الاغ) ترجمه: حیوانی که برای بارکشی و سواری به کار گرفته می شود.

۷۱. الخد (پوره) ترجمه: قسمتی از صورت

۷۲. الحكمة (هکمت) ترجمه: در قلب فروتن ماندگار می شود.

۷۳. الشَّباب ۷۴. الوالدين

۷۵. الکهرباء ۷۶. الخد

۷۷. العمود ۷۸. أَبٌ جمع - آباء (پدران)

۷۹. ولد جمع - أولاد (فرزندان) ۸۰. أعمال مفرد - عمل (کار)

۸۱. أَرَاذِلُ مفرد - أَرْدَلُ (فرومایه تر) ۸۲. أَفْضَلُ مفرد - أَفْضَلُ (شایسته تر)

۸۳. کتاب جمع - كُتُبٌ (کتاب ها) ۸۴. مَوَاعِظُ مفرد - موعظة (بند)

۸۵. شَابٌ جمع - شباب (هوانان) ۸۶. حمير مفرد - حمار (الاغ)

۸۷. شَدَائِدٌ مفرد - شديدة (سفت) ۸۸. أَسَاتِذَةٌ مفرد - أستاذ (استاد)

۸۹. زُمْلَاءُ مفرد - زميل (همکار / همکلاس)

۹۰. جار جمع - جيران (همسایگان) ۹۱. فَنُونٌ مفرد - فَنٌّ (هنر)

۹۲. نَمُوذَجٌ جمع - نَمَازِجٌ (نمونه ها) ۹۳. عَيْبٌ جمع - عيوب (عیب ها)

۹۴. إِخْوَانٌ مفرد - أَخٌ (برادر) ۹۵. بَهَائِمٌ مفرد - بهيمة (پاربا)

۹۶. بَعْر جمع - أسعار (قیمت ها)

۹۷. فُسْتَانٌ جمع - فساتين (لباس های زنانه)

۹۸. سروال جمع - سراويل (شلوارها) ۹۹. فَرِيضَةٌ جمع - فرائض (وایبات)

ردیف	امتحان شماره ۷	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ امتحان: خرداد ۱۴۰۳	نمره
پایه یازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه			
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوَدِّ فِي الْحَيَاةِ. (ج) يُحِبُّ الشَّبَابُ السَّابَحَةَ فِي الْبَحْرِ. (ب) بَحَثْنَا عَنِ الْمِظْلَةِ؛ لِأَنَّ الْجَوَّ مُمَطَّرٌ. (د) حَصَلَ صَدِيقِي عَلَى الشَّهَادَةِ الْجَامِعِيَّةِ.			
۲	عَيَّنْ مُتَرَادِفَ «الأسرة» و مُتَضَادَّ «مُتَوَاضِع» فِي الْآيَةِ وَ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ﴾ / يَحْمِي حَاتِمَ الْأَهْلِ وَ الْعِرْضَ وَ يُطْعِمُ الْمِسْكِينَ. (الف) الأسرة = (ب) مُتَوَاضِع ≠			۰/۵
۳	عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي التَّوَجُّعِ أَوْ الْمَعْنَى: (الف) (۱) الْفُنُون (۲) الْخَدَّ (ب) (۱) الْمَلَاعِب (۲) الْمَطَاعِم	(۳) اللِّسَان (۴) الْمَوَاقِف (۳) اللِّسَان (۴) الْمَوَاقِف	(۴) الْقَم (۴) الْمَكَارِم	۰/۵
۴	أَكْتُبْ مُفْرَدَ «فَلَوَات» وَ جَمْعَ «صَاحِب» فِي الْعِبَارَتَيْنِ: (الف) إِلَهِي لَا تَهْجُزْنِي فِي فُلُوبِ الْمَعَاصِي. (ب) نَادَى الرَّجُلُ صَاحِبَةَ النَّجْدَةِ النَّجْدَةَ.			۰/۵
۵	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (ب) هُمْ يَقْتَصِدُونَ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ. (ج) يُسَاعِدُ الرَّقَزَائِقُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ. (د) إِنَّ تَكْذِبَ مَرَّةً أُخْرَى فَلَنْ يَلْتَفِتَ النَّاسُ إِلَيْكَ. (هـ) إِزْحَمُوا عَزِيزاً ذَلَّ وَ عَالِماً ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ. (و) أَثَارَتِ الْبِنْتُ الْمُعَوَّقَةُ التَّاجِحَةَ إِعْجَابَ الْآخَرِينَ. (ز) لَا يَنْطِقُ الْعَرْبُ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ وَفَقاً لِأَصْلِهَا.			۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵
۶	إِنْخَبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (الف) قَدْ حَقَّقَ بَائِعُ الْمَلَابِسِ لِي مِئَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. (۱) فَرُوشَنْدَةُ لِبَاسِ دُويست وَ نود (۲۹۰) هِزَارِ تُومَانِ بِهِ مِنْ تَخْفِيفِ دَادِ. (۲) لِبَاسِ فَرُوشِ دُويست وَ هَفْتَادِ (۲۷۰) هِزَارِ تُومَانِ بِهِ مِنْ تَخْفِيفِ دَادِهُ اسْتِ. (ب) مَا قُلْتُ كَلِمَةً؛ لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئاً عَنِ الْمَوْضُوعِ. (۱) كَلِمَةُ نَغْفَتُمْ، زِيْرَا جِيزِي دِرْبَارَةَ مَوْضُوعِ نَمِي دَانِسْتُمْ. (۲) كَلِمَةُ نَمِي گُويم بَرَايِ اَيْنِ كِه جِيزِي دِرْبَارَةَ مَوْضُوعِ نَمِي دَانِمِ.			۰/۵
۷	أَكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) اِمْتَنَعَ الرَّجُلُ الْكَذَّابَ عَنِ الذَّنُوبِ لُوفَائِهِ بِالْعَهْدِ. (ب) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. (ج) رَأَيْتُ وَلَداً يَمْشِي بِسُرْعَةٍ فَوْقَ الْوَلَدِ عَلَى الْأَرْضِ. مرد به خاطر وفایش به عهد از گناهان دانشمندی که از دانشش از هزار عبادت‌کننده است. پسری را دیدم که به سرعت؛ پس پسر روی زمین افتاد.			۱/۵
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) لَا تَرْفَعْ أَصَوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْوَالِدَيْنِ. (ج) أَخَوَاتِي سَوْفَ يَرْجِعْنَ إِلَى الْبَيْتِ. (ب) اِصْنَعْ سَرِيراً مِنَ الْخَسْبِ. (د) لَا تَكْتُبُوا عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.			۱
۹	إِنْخَبِ الْفَعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: (الف) أَنَا وَ زَمِيلِي إِلَى الْمَلْعَبِ غِداً. (ذَهَبْنَا - لَمْ نَذْهَبْ - لَمْ نَذْهَبْ) (ج) أُرِيدُ تَرْجَمَةَ النَّصِّ. (أَنْ أَكْتُبَ - لَمْ أَكْتُبْ - أَكْتُبْ) (ب) وَالَّذِي فِي مَوْسَسَةِ ثَقَافِيَّةٍ. (اِسْتَعْلَ - سَيَسْتَعْلُ - تَسْتَعْلُ) (د) إِنَّ كَثِيراً تُصِلُ إِلَى هَذِكْ. (لَا تُحَاوِلْ - لَمْ تُحَاوِلْ - تُحَاوِلْ)			۱